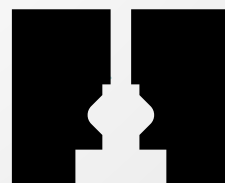




کتابخانه افروز

مدرسه
افروز

جامعه فردا
رایاهم بسازیم



www.afroozschool.org

ما در مدرسه‌ی افروز اعتقاد داریم که فرهنگ، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌های فردی و مدنی پیوندی گسست‌ناپذیر با آموزش دارند. به باور ما کلاس درس فقط فضایی برای کسب دانش نیست؛ این هدف با پرورش مهارت‌های اجتماعی و کسب دانش هم تنیده و تفکیک‌ناپذیرند. موضوع کلاس درس هرچه باشد -ریاضی یا علوم اجتماعی- امکانی است برای تمرین مهارت‌های اجتماعی با دانش‌آموزان و به عقیده‌ی ما ارتقای این مهارت‌ها اگر مهم‌تر از افزایش علم و دانش کودکان و نوجوانان نباشد، از آن کم‌اهمیت‌تر نیست. به همین منظور قصد داریم با برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌هایی در مدرسه‌ی افروز، بازی‌ها و فعالیت‌هایی عملی برای کودکان و نوجوانان معرفی کنیم، درباره‌ی مهارت‌ها و روش‌های تسهیلگری این مفاهیم در کلاس درس به بحث و گفت‌وگو پردازیم، و راهکاری عملی برای پیاده‌سازی این مفاهیم در کلاس درس را با هم تجربه کنیم.

مدرسه‌ی افروز دو اصل «آموزش مشارکتی» و «کاربردی بودن مطالب» را سرلوحه‌ی فعالیت‌های خود قرار داده و دوره‌های آموزشی را به گونه‌ای تدوین کرده است که همگام با معرفی هر مفهوم نظری، نحوه‌ی انتقال آن به دانش‌آموزان هم به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود. امیدواریم با تمرکز بر مهارت تسهیلگری، و هم‌فکری و گفت‌وگو درباره‌ی آن بتوانیم راهکارها و شیوه‌هایی جدید و کاربردی و خلاق پیدا کنیم تا از این طریق تمرین مهارت‌های اجتماعی و بالا بردن میزان مشارکت دانش‌آموزان در کلاس درس محقق شود. ما در مدرسه‌ی افروز بر این باوریم که می‌توان با چشم انداز «جامعه‌ی فردا را با هم بسازیم» از فرصت‌های موجود در کلاس درس بهره جست و برای تبدیل دانش‌آموزان به شهروندانی آگاه و مؤثر کوشید.

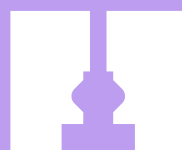


چالش نظم در کلاس

نویسنده: باب پیترسون

ترجمه: گروه آموزش مدرسه افروز

این مقاله در کتابی با عنوان «باز اندیشی درباره‌ی کلاس درس»^[۱] منتشر شده است. این کتاب مجموعه مقاله‌هایی درباره‌ی شیوه‌های تدریس با تأکید بر رویکرد «عدالت و تساوی» است.



یکی از چالش‌برانگیزترین امور در دبستان، خلق یک محیط مبتنی بر احترام است، محیطی که در آن دانش‌آموزان برای یادگیری ارزش قائل می‌شوند. اغلب موارد دانش‌آموزان با تندی و به شیوه‌ای پرخاش‌جویانه با اطراف خود ارتباط برقرار می‌کنند، اختلاف‌ها را با خشونت حل می‌کنند و نسبت به مدرسه و یادگیری رویکردی منفی دارند. باید ریشه این مشکلات را در جامعه جست. چه‌طور می‌توان گفت که دانش‌آموزان از پرخاش‌جویی پرهیز کنند در حالی که این روش در کمدی‌های تلویزیونی که در ساعات پربیننده پخش می‌شود، مرسوم است؟

اما مدرسه‌ها هم در ایجاد چنین مشکلاتی نقش دارند. روش‌هایی که بر نطق و خطابه معلم، مطالعه‌ی غیر فعال کتاب‌های درسی و «پر کردن جای خالی» در تکالیف درسی تکیه دارد، دانش‌آموزان را از تصمیم‌گیری، درگیر شدن فعال با مسئله‌ی یادگیری و آموختن این‌که چه‌طور مؤثر فکر کنند و مؤثر ارتباط برقرار کنند، دور نگه می‌دارد.

درگیر کردن دانش‌آموزان در فرآیند «تصمیم‌سازی»

اگر معلمی می‌خواهد جمعی از دانش‌آموزان را به «یادگیرندگان» بدل کند، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها باید محقق شوند. دانش‌آموزان باید در فرآیند تصمیم‌گیری درگیر شوند. آن‌ها نیاز دارند که کار گروهی را تجربه کنند. دانش‌آموزان به یک برنامه‌ی آموزشی چالش‌برانگیز احتیاج دارند تا با آن مشغول شوند و برای آن کاری کنند، نه این‌که تنها به آن گوش بدهند. آن‌ها باید بفهمند که اشتباه کردن امری عادی است و آموختن چیزی فراتر از پاسخ «درست» دادن است.

علاوه بر این، معلم‌ها باید مشخص کنند که منظورشان از کار فردی و گروهی چیست تا دانش‌آموزانی که معنای کار گروهی را خارج از مدرسه نیاموخته‌اند، از کلاس بی‌بهره نمانند. معلم‌ها باید شفاف‌سازی کنند که چه چیز در حیطه‌ی تصمیم‌سازی دانش‌آموزان می‌گنجد و چه چیزی در آن محدوده قرار نمی‌گیرد. و آخر اینکه معلم‌ها باید روش‌هایی برای جلب حمایت مدیریت مدرسه برای ترویج سراسری این شیوه‌ی آموزش و یادگیری پیدا کنند. مؤلفه‌های تصمیم‌سازی از آن‌چه دانش‌آموزان می‌نویسند، می‌خوانند و می‌آزمایند تا تصمیم‌گیری درباره‌ی ماهیت پروژه‌های مشارکتی، تا کمک به تصویب قوانین کلاس و برنامه‌ی آموزشی تغییر می‌کند.

من هر سال از دانش‌آموزانم می‌خواهم تصور خود را از یک کلاس ایده‌آل با هم در میان بگذارند و درباره‌ی قوانین مورد نیاز برای چنین کلاسی بحث کنند. روند تصویب قوانین و مقررات معین در نهادهای دولتی مانند وزارت آموزش و پرورش، مقررات در هر مدرسه و در نهایت قوانین هر کلاس را برای آن‌ها توضیح می‌دهم.



به آن‌ها می‌گویم که تمایل دارم درباره‌ی قوانین کلاس مذاکره کنم، اما موافقت با پیشنهادهای آن‌ها به دو چیز بستگی دارد (زیرا در نهایت اختیار کلاس در دست من است): عقلانی و منطقی بودن نظرات‌شان و توانایی آن‌ها به عنوان یک گروه برای نشان دادن این‌که آنقدر مسئولیت‌پذیر هستند که پیامدهای تصمیم‌هایشان را بر عهده بگیرند و از قدرتی که تصمیم‌سازی به آن‌ها می‌دهد استفاده کنند. علاوه بر این به کودکان می‌گویم که اگر با قانونی که خارج از کلاس تعیین شده است مخالف هستند، باید نگرانی‌ها و نظرات خود را بیان کنند.

همه چیز به آرامی پیش نمی‌رود. یک سال وقتی داشتم درباره‌ی قوانین مدرسه حرف می‌زد، بچه‌ها مصمم بودند که هر کس از قوانین تخطی کند باید کلاه بوقی به سرش بگذارد و در یک گوشه‌ی کلاس بنشیند. این پیشنهاد را به دلیل این‌که تحقیرآمیز است رد کردم. در نهایت روی راه‌های دیگری مانند سکوت تربیتی ۲۱ و از دست دادن امتیاز ورود به کلاس موقع زنگ تفریح و ناهار به توافق رسیدیم.

تکنیک «جدول دو ستونی»^[۳] به عنوان یک تکنیک یادگیری مشارکتی برای فهماندن این مسئله که گروه یادگیرندگان در جریان فعالیت‌های مختلف چه طور به نظر می‌رسد، مفید است. معلم یک جدول بزرگ با دو ستون روی تخته رسم می‌کند. سمت چپ آن می‌نویسد «این طور دیده می‌شود» و سمت راست آن می‌نویسد «این طور شنیده می‌شود». کودکان به شیوه‌ی بارش فکری درباره‌ی این پرسش که بیننده به هنگام تماشای فعالیت‌های آن‌ها چه چیز می‌بیند و می‌شنود، می‌اندیشند. به عنوان مثال، وقتی یک جدول با موضوع «چه طور یک بحث کلاسی را اداره کنیم؟» رسم می‌شود، دانش‌آموزان باید مواردی نظیر «یک نفر صحبت می‌کند» را سمت راست جدول و تحت عنوان «این طور شنیده می‌شود» بنویسند و موردی مثل «بچه‌ها به سخنران نگاه می‌کنند» یا «شاگردان برای نوبت گرفتن دست بلند می‌کنند» سمت چپ تخته تحت عنوان «این طور دیده می‌شود» فهرست خواهد شد. ما جدول را به دیوار می‌آویزیم تا به کمک آن بیشتر بچه‌ها به خاطر بیاورند که رفتار مناسب برای فعالیت‌های مختلف کدام است.

چینش کلاس یکی دیگر از لازمه‌های ایجاد گروه یادگیرندگان است. میز و نیمکت‌های کلاس را طوری چیده‌ام که ۵ گروه ۶ نفره می‌تواند در کلاس بنشیند. هر ۶ نفر، یک «گروه پایه» را تشکیل می‌دهند. ترکیب گروه‌های پایه هر ۹ هفته تغییر می‌کند. این گروه‌ها با در نظر گرفتن تسلط دانش‌آموزان به زبان، و همین‌طور بر اساس نژاد، جنسیت و نیازهای خاص تقسیم می‌شوند تا گروه‌هایی ناهمگن ایجاد شود. هدف این است که دانش‌آموزان در برابر شکل‌های نامحسوسی از طبقه‌بندی در مدارس ابتدایی که آن‌ها را بر اساس بنیه‌ی علمی دسته‌بندی می‌کند، محافظت شوند.

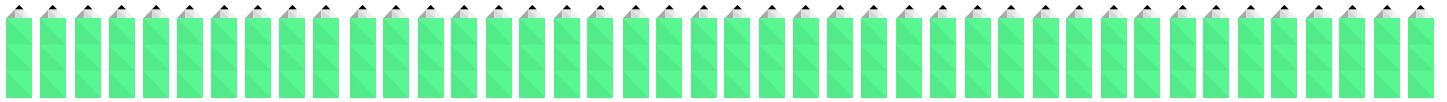


ممکن است دانش‌آموزان سراسر روز در گروه‌های متنوع یادگیری مشارکتی کار کنند، اما گروه پایه‌ی آن‌ها ثابت است. هر گروه یک قفسه‌ی کتاب برای خودش دارد، کتاب‌ها و ابزار آموزشی در آن نگهداری می‌شود و تکالیف بچه‌ها هم در آن قرار می‌گیرد. هر گروه، سرگروه خود را انتخاب می‌کند. سرگروه باید اطمینان حاصل کند که کتاب‌ها و ابزار آموزشی منظم هستند و همه‌ی اعضا هماهنگ با برنامه‌ی گروه پیش می‌روند. به عنوان مثال، قبل از برگزاری کلاس انشا، سرگروه پوشه‌های نوشتن را میان اعضا پخش می‌کند و مطمئن می‌شود که همه‌ی آن‌ها مداد و خودکار خود را آماده کرده‌اند.

گاهی اوقات گروهی که بهتر از باقی گروه‌ها برای آغاز فعالیت تازه آماده شده است، جایزه می‌گیرد. مثلاً به عنوان دستیار معلم در همان کلاس یا در تمرین نمایش فعالیت کنند. این کار به سرگروه‌ها انگیزه می‌دهد برای پیوستن دانش‌آموزان سرکش و بازیگوش به فعالیت‌های کلاسی تلاش کنند. چنین دانش‌آموزان به این روش بسیاری از وظایف اداری کلاس را به عهده‌ی دانش‌آموزان می‌گذارد و به این ترتیب احساس مسئولیت جمعی ایجاد می‌شود. چیدمان دانش‌آموزان در این گروه‌های پایه یک مزیت دیگر هم دارد: آزاد کردن فضای کلاس برای اجرای نمایش یا جلسه‌هایی که در آن‌ها دانش‌آموزان می‌توانند روی زمین بنشینند.

هنگامی که دانش‌آموزان قدرت تصمیم‌سازی را به نحوی غیرعقلانی به کار می‌گیرند، قدرت‌شان را محدود می‌کنم تا از اعمال قدرت‌شان پیشگیری شود. به عنوان مثال در زنگ خواندن دانش‌آموزان می‌توانند کتاب‌ها و گروه‌ها را خودشان انتخاب کنند. این روش سبب می‌شود با اشتیاق و جدیت بیشتر کار کنند، خواندن به شیوه مشارکتی را تمرین کنند و به طور منظم در دفترچه‌ی پاسخ‌ها یادداشت بنویسند. اگر یک گروه خواندن آرام و قرار نداشته باشد و سر و صدا کند، به سرعت مداخله می‌کنم و گزینه‌های پیشگیرانه و محدودکننده را در برابرشان می‌گذارم. وقتی عده‌ای از دانش‌آموزان در گروه‌های خواندن با موفقیت پیش می‌روند، در خصوص نحوه‌ی کار در یک گروه خواندن الگو ایجاد می‌شود: دانش‌آموزان نه تنها یک بحث را در برابر دیگر هم‌کلاسی‌هایشان پیش می‌برند، که پیشاپیش ترتیب کار را برای دانش‌آموزان کم دقت و بی‌توجه مشخص می‌کنند و نشان می‌دهند که یک دانش‌آموز که هدایت‌گر بحث است، چه طور می‌تواند واکنش نشان دهد.

یک کلاس سازمان یافته، که مبتنی بر احترام است و دانش‌آموزان را در فرآیند تصمیم‌سازی دخالت می‌دهد، پیش نیاز یادگیری موفق است. چیدمان مشارکتی و دخالت دادن دانش‌آموزان به تنهایی دانش‌آموزان را به یادگیرندگان یا کلاس را به یک جلسه‌ی انتقادی تبدیل نمی‌کند، اما لازمه‌هایی ضروری در بنیان نهادن ساختمان یک کلاس انتقادی به شمار می‌رود.



[1] -Rethinking Our Classrooms, Creating Classrooms for Equity and Justice- edited by Wayne Au , Bill Bigelow , Stan Karp
- A Rethinking Schools Publication

[3]- T-Chart

۲۱- سکوت تربیتی برگردان عبارت Time-out به زبان انگلیسی است در برخی منابع «گوشه‌نشانی» هم ترجمه شده است. سکوت تربیتی یک اقدام تنبیهی برای کودکان است که او را برای مدتی از محیطی که در آن دست به اقدام ناخوشایند یا نامناسبی زده است، دور می‌کند. معمولاً والدین یا معلم از کودک می‌خواهند که گوشه‌ای آرام بنشیند، با دیگران صحبت نکند و به جای سرگرم کردن خود، به عواقب رفتار نامناسبش فکر کند. برخی از روان‌شناسان و کارشناسان امور تربیتی این روش را برای آموزش نظم و اصول و ارزش‌های رفتاری به کودکان مفید می‌دانند.



سؤال؟؟

با مدرسه افروز تماس بگیرید
info@afroozschool.org

مدرسه
افروز

جامعه فردا
رایاهم بسازیم



www.afroozschool.org